



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://sjs.isri.ac.ir>

Volume : 4 ; Number : 8

Presenting the Iranian Islamic Model of Entrepreneurship from the Perspective of Ayatollah Khamenei Based on Islamic Civilization

Mahmood Sahms*, Maghsod Ranjbar**,
Mohammad Hasan Elahimanesh***

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.470717.1130>

Received: 2024/07/31 - Accepted: 2024/11/28

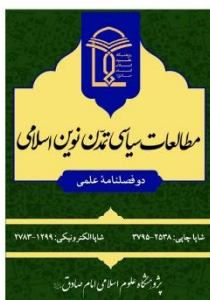
Type of Article: Research

(219-234)

Abstract

The concept of development in Ayatollah Khamenei's teachings is contrary to the Western concept of development. In Ayatollah Khamenei's teachings, the Iranian and Islamic model of progress and indigenous development is used instead of the concept of development in its Western sense. Such a reading of development in Ayatollah Khamenei's teachings is because development, according to Western standards and models, emanates from humanistic and secular sources, while the Iranian and Islamic model of progress and development is based on spirituality and relies on Islamic intellectual and philosophical foundations. In the present study, an attempt is made to examine, in addition to the conceptualization of progress and its dimensions, the meaning and concept of economic, political, cultural and social progress based on Ayatollah Khamenei's views, and the nature of the Islamic-Iranian model of progress and indigenous development and its place in Ayatollah Khamenei's thoughts. This research is applied from the perspective of purpose and qualitative from the perspective of data analysis and was conducted using descriptive and data analysis methods. Based on the research findings, the Iranian-Islamic progress model is based on signs and manifestations such as spirituality, popularism, family orientation, justice and social security, and adaptation to local requirements. Considering these signs, this model has preference and priority over the concept of development in its Western sense.

Keywords: Development, Indigenous Development, Islamic-Iranian Model of Progress, Ayatollah Khamenei.



*. PhD student in Iranian issues, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, mahmodshamskk00@gmail.com.

**. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (Corresponding author), maghsodranjbar@gmail.com.

***. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, mhelahimansh@gmail.com.



پژوهشگاه علوم اسلامي صادق
پژوهشکده مطالعات سياسي و دفاعي
P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299
http://sjs.isri.ac.ir
نشانی پانگاه نشریه: ۸ سال چهارم: شماره هشتم

تبیین ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه بومی و جایگاه آن در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

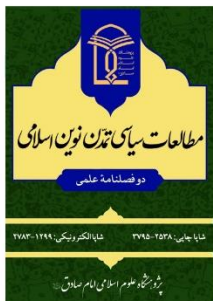
محمود شمس*، مقصود رنجبر**، محمدحسن الهی منش***

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.470717.1130>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

نوع مقاله: پژوهشی

(۲۱۹-۲۳۴)



چکیده

مفهوم توسعه در آموزه‌های آیت الله خامنه‌ای با مفهوم غربی توسعه مغایر است. در آموزه‌های آیت الله خامنه‌ای، الگوی پیشرفت ایرانی و اسلامی و توسعه بومی به جای مفهوم توسعه در مفهوم غربی آن، به کار می‌رود. چنین خوانشی از توسعه در آموزه‌های آیت الله خامنه‌ای از آن‌روست که توسعه طبق معیارها و الگوی غربی از منابع اومانیزستی و سکولاریستی منبعث می‌شود، درحالی که الگوی پیشرفت ایرانی و اسلامی و توسعه مبتنی بر معنویت‌گرایی است و به مبانی فکری - فلسفی اسلامی تکیه دارد. در پژوهش پیش رو، کوشش بر آن است که ضمن مفهوم‌شناسی پیشرفت و ابعاد آن، معنا و مفهوم پیشرفت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی براساس دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای، و ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه بومی و جایگاه آن در اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای بررسی شود. این پژوهش از منظر هدف، کاربردی و از منظر تحلیل داده‌ها، کیفی است و با استفاده از روش توصیفی و تحلیل داده‌ها انجام شده است. براساس یافته‌های پژوهش، الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی مبتنی بر نشانه‌ها و جلوه‌هایی چون معنویت‌گرایی، مردمی بودن، خانواده‌گرایی، عدالت و تأمین اجتماعی و انطباق با مقتضیات بومی است. این الگو باتوجه به این نشانه‌ها بر مفهوم توسعه در مفهوم غربی آن رجحان و اولویت دارد.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه بومی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، آیت الله خامنه‌ای.

- * دانشجوی دکتری مسایل ایران، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. mahmodshamsk00@gmail.com
- ** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). maghsoodranjbar@gmail.com
- *** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. mhelahimansh@gmail.com

مقدمه

توجه به پیشرفت و ابعاد آن جایگاه ویژه‌های در آموزه‌های آیت‌الله خامنه‌ای دارد. اگرچه مفهوم توسعه براساس آموزه‌های نظریه‌پردازان امر توسعه، امری ارزشی، جریانی چندبعدی و پیچیده است که به تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و همچنین تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق نیاز دارد، ولی این مفهوم در آموزه‌های آیت‌الله خامنه‌ای از صبغه ویژه خود برخوردار است. در نگاه آموزه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم «پیشرفت» و کاربرد آن در ادبیات توسعه بر مفهوم «توسعه» برتری و اولویت دارد. این اولویت و برتری از آن‌روست که اصطلاح توسعه اصطلاحی متعارف جهانی است و از جهان‌بینی‌های اومانیستی و سکولاریستی سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، آیت‌الله خامنه‌ای در میان ادبیات توسعه و مباحث مرتبط به آن ترجیح می‌دهد که مفهوم الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی و الگوی توسعه بومی را به جای مفهوم توسعه به کار گیرد. آیت‌الله خامنه‌ای معنویت را موتور محرک الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی و توسعه بومی می‌داند.

هر یک از واژگان در پارادایم «الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی و توسعه بومی» دارای مفاهیم ویژه طبق انگاره‌های مقام معظم رهبری است. در این ارتباط، الگو به مثابه چهارچوب نظری و نقشه راه توسعه شمرده می‌شود. داشتن نقشه راه ما را از راه‌های زیگزاک‌ی و رفتارهای سینوسی و پاندولی در مسیر تغییر برحذر می‌دارد و زمینه را برای نزدیک ساختن به اهداف هموار می‌کند. این الگو یا نقشه راه را باید محصول نهضت نرم‌افزاری و جنبش تولید علم دانست.

اسلامی بودن به معنای آن است که این الگو باید منبعث از مبانی و معارف اسلامی باشد چراکه هرگونه اندیشه غیراسلامی یا التقاطی موجب انحراف از مسیر توسعه می‌شود. صفت ایرانی به این دلیل است که چنین الگویی باید به واسطه متفکران و نظریه‌پردازان ایرانی طراحی و ابداع شود. مفهوم پیشرفت به معنای حرکت از وضع موجود و رسیدن به نقطه مطلوب است که در آنجا اهداف بلندمدت و میان‌مدت هدف‌گذاری و تعریف شده است (سنچولی، ۱۳۹۲:

(۷۹). در الگوی توسعه بومی نیز تحقق امر توسعه باید براساس و طبق شرایط و اقتضائات محلی - بومی و تأثیرپذیرفته از مبانی فکری و فلسفی مکتب اسلام باشد. باتوجه به آنچه گفته شد، در پژوهش پیش رو کوشش می شود که ضمن مفهوم شناسی توسعه و ابعاد آن، معنا و مفهوم توسعه، توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه بومی و جایگاه آن در اندیشه های آیت الله خامنه ای را تبیین کند.

۱. مبانی نظری پژوهش در الگوی نظری توسعه

اصطلاح توسعه در برداشت و مفهوم غربی آن به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. توسعه در این مفهوم مقوله ای ارزشی جریانی چندبعدی و پیچیده بوده است. مایکل تودارو^۱ اقتصاددان آمریکایی، براساس مکتب نوسازی، توسعه را جریانی چندبعدی می داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز سرعت گرفتن رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (تودارو، ۱۳۶۶: ۵۸). بر همین اساس، پتر دونالدسن^۲ توسعه را به معنای به وجود آوردن تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، گرایش ها و نهادها برای تحقق کامل هدف های جامعه می داند (دورنر، ۱۳۶۸: ۸۷). در مواردی هم توسعه به عنوان نوعی حرکت تاریخی و گذار از یک مرحله تاریخی به مرحله ای دیگر تعریف شده است. چنان که جان اتان لمکو^۳ تعریف کرده است: «توسعه یعنی از حرکت جامعه از یک مرحله تاریخی و توفیق آن در ورود همه جانبه به مرحله ای دیگر از تاریخ» (لمکو، ۱۳۶۷: ۵۷).

ابعاد گوناگونی همچون توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در پارادایم توسعه درخور توجه است که هر کدام از آنها تعریف ویژه ای طبق مکتب نوسازی بر آن مترتب است. در این باره، توسعه اقتصادی از مفاهیمی است که اغلب با مفهوم رشد اقتصادی یکی

1. Michael Todaro.

2. Peter Donaldson.

3. Fonatan Lamko.

شمردن می‌شود، درحالی‌که بین این دو مفهوم تفاوت‌های درخور ملاحظه‌ای وجود دارد. رشد اقتصادی دربرگیرنده شاخص‌های کمی اقتصادی است، ولی توسعه اقتصادی متضمن فرآیندهای پیچیده‌تری است، به گونه‌ای که این مفهوم به مفاهیمی چون تغییر و تحولات اقتصادی نزدیک‌تر است تا مفهوم رشد اقتصادی. توسعه اقتصادی فرآیندی است که در طی آن، شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شوند؛ به گونه‌ای که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه نخست کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۴).

توسعه سیاسی فرآیندی است که زمینه لازم را برای نهادی کردن شکل و مشارکت سیاسی فراهم می‌کند که حاصل آن افزایش توانمندی نظام سیاسی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۵۱). توسعه سیاسی در پی تحقق ترکیب قدرت حکومت و در پی خود توزیع قدرت در میان شهروندان است؛ با این هدف که قدرت حکومت نتواند توزیع قدرت میان شهروندان را بی‌اعتبار کند (قوام، ۱۳۸۸: ۱۲). در این رویکرد، توسعه سیاسی فرآیندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها و باورها، شخصیت ویژه‌ای را در آنها به وجود می‌آورد، که برآیند این باورها و قابلیت‌ها، کنش‌های ویژه‌ای است که مناسب توسعه است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۸). دراصل، فرهنگ یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه است؛ ازاین‌رو، توسعه فرهنگی هم یکی از پیش‌نیازهای بنیادی تحقق توسعه و هم یکی از آرمان‌های بنیادی توسعه در هر جامعه است. بنابراین، بیشتر صاحب‌نظران توسعه از جمله کارگزاران و مسئولان سازمان ملل متحد، تأکید ویژه‌ای بر فرهنگ به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه دارند (فابریزیو، ۱۳۷۸: ۴۸).

توسعه اجتماعی از مفاهیم دیگر در پارادایم توسعه است که با چگونگی و شیوه زندگی افراد جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از راه ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت است (توسلی، ۱۳۷۳: ۲۵).

۲. معنا و مفهوم پیشرفت، پیشرفت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی براساس دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای

۲-۱. تعریف پیشرفت از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای

اگر ما همه نوشته‌های مقام معظم رهبری را بررسی کنیم، حتی یک‌بار ایشان از کلمه توسعه استفاده نمی‌کنند. بلکه باور دارند این واژه بار معنایی خاصی دارد، که همان الگوی غربی است. بنابراین، ایشان می‌فرماید:

این واژه از طرف ما مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. ما باید به‌جای آن از واژه پیشرفت استفاده کنیم. وقتی می‌گوییم پیشرفت، نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی شود. امروز توسعه در اصطلاحات سیاسی و جهان بین‌المللی عرف رایج است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوییم با آنچه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتما دارد - ولی در نظام واژگانی ما، کلمه پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد. که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نبایستی اشتباه شود. آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی - با همان مختصات و با همان شاخص‌ها - نیست. آن دو عنوان دیگری که پشت‌سرش می‌آید، یعنی در حال توسعه و توسعه‌نیافته یک بار ارزشی و یک جنبه ارزش‌گذاری همراه خودش دارد. درحقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه‌یافته یعنی کشور غربی با همه خصوصیاتش، فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت‌گیری سیاسی‌اش؛ این توسعه‌یافته است. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است، توسعه‌نیافته یعنی کشوری غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. این جوری می‌خواهند معنا کنند. درواقع در فرهنگ امروز غرب تشویق کشورها به توسعه، تشویق به غربی شدن است. ما مجموعه‌ی غربی شدن یا توسعه‌یافته به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمی‌کنیم. پیشرفتی که ما می‌خواهیم چیز دیگری است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۲۷/۲/۱۳۸۸).

ایشان در جای دیگر در همین زمینه این‌گونه می‌فرمایند:

اولاً کلمه پیشرفت را ما با دقت انتخاب کردیم، تعمداً نخواستیم کلمه توسعه را به کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه یک بار ارزشی و معنایی دارد، التزاماتی با

خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جافتادی متعارف جهانی که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که موردنظر خودمان است مطرح و عرضه می‌کنیم. این مفهوم عبارت است از پیشرفت. معادل معنای فارسی پیشرفت را می‌دانیم. می‌دانیم مراد از پیشرفت چیست. تعریف هم خواهد کرد که منظور ما از این پیشرفتی که در فارسی معنایش روشن است، چیست؛ پیشرفت در چه ساحت‌هایی است، به چه سمتی است (همان، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

اصولاً دو نگرش کلی درباره پیشرفت در انگاره‌های آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد. نخستین نگرش مربوط به نظریه رشد اقتصادی و ارزش‌هایی است که رشد اقتصادی بر آنها استوار است. براین اساس، پیشرفت دراصل عبارت است از افزایش سریع و پایدار تولید سرانه ناخالص ملی (یا داخلی) که ممکن است با توزیع عادلانه همراه باشد؛ این برداشت اقتصادگرا از توسعه است. دومین نگرش، پیشرفت را فرآیندی برای رشد آزادی فرد و دنبال کردن هدف‌های ارزشمند خود می‌داند. این نگرش را می‌توان برداشت‌های مؤثر و رهایی‌بخش نامید. ویژگی اصلی، شکوفایی توانایی انسان است (عاملی، ۱۳۸۰: ۲۵).

۲-۲. پیشرفت سیاسی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل الگوهای رایج درباره موضوع پیشرفت در اوایل انقلاب، به انتقاد از دیدگاه‌های غالب آن زمان در این زمینه اشاره می‌کنند. از نظر ایشان، بسیاری از انقلابی‌ها تحت تأثیر گرایش‌های چپ دهه شصت، پیشرفت را در الگوهای سوسیالیستی جست‌وجو می‌کردند، درحالی‌که این نگاه‌ها نادرست بودند. همچنین، برخی دیگر از مسئولان کشور در پی الگویی غربی برای پیشرفت بودند، که آن نیز پذیرفته نشد. به گفته ایشان، این الگوهای غربی نه تنها در کشورهای دیگر به بن‌بست رسیده‌اند، بلکه خود اندیشمندان غربی نیز به نقد آنها پرداخته‌اند. ایشان تأکید دارند که مسیر پیشرفت کشور باید براساس اصول اسلامی - ایرانی تدوین شود و این مسیر به‌عنوان موفقیتی بزرگ، باید با سرعت و دقت بیشتری ادامه یابد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

مقام معظم رهبری در تحلیل پیشرفت سیاسی و تحولات جهانی، بر تغییرات بنیادین در

تفکرات و ایدئولوژی‌ها تأکید دارند. ایشان با اشاره به افول تفکرات چپ، ناسیونالیستی و لیبرالیسم غربی، بیان می‌کنند که این ایدئولوژی‌ها امروز دیگر جاذبه‌ای برای ملت‌ها ندارند. به‌ویژه، نقدهای خود غربیان به لیبرال - دموکراسی و رفتارهای ضدانسانی برخی دولت‌ها مانند آمریکا و اروپا را مثال می‌زنند. درمقابل، ایشان بر زنده بودن شعارهایی همچون عدالت‌طلبی و کرامت انسانی، که به اسلام و جمهوری اسلامی تعلق دارند، تأکید دارند. آیت‌الله خامنه‌ای بر این باورند که نظام سیاسی جمهوری اسلامی با تکیه بر مردم‌سالاری دینی، و با توجه به ایمان مردم و رأی آنها الگویی موفق برای ملت‌های دیگر شناخته می‌شود و این حرکت همچنان جذابیت خود را برای مسلمانان و روشنفکران دنیا حفظ کرده است. در این زمینه، دشمنان جمهوری اسلامی که در زمینه‌های گوناگون مانند عراق، فلسطین، و سوریه با شکست‌های سیاسی روبه‌رو شده‌اند، نمی‌توانند اهداف خود در جهان اسلام را تحقق بخشند (همان، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹).

۲-۳. پیشرفت اقتصادی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای

دیدگاه توسعه اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای متکی به راهبرد درون‌زا، الگوی اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مولد و همچنین اقتصاد بدون نفت و معطوف به حل مشکلات اقتصادی و نمایش آن در ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل است. در این باره آیت‌الله خامنه‌ای به شدت تأکید می‌کند که ملت‌ها می‌توانند در پرتو خوداتکایی و در سایه اسلام و با آموزه‌های اسلام پیشرفت کنند. براساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، نظام اسلامی به جامعه‌ای ثروتمند باور دارد، نه جامعه فقیر و عقب مانده. اسلام خواهان رشد اقتصادی است، ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و برای رفاه عمومی، مسئله نخست نیست؛ بلکه درجه نخست این است که فقیر در جامعه نباشد؛ محروم نباشد؛ تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد. هرکس برای خود امکاناتی فراهم کرد، به خود او تعلق دارد؛ ولی آنچه که عمومی است مانند فرصت‌ها و امکانات متعلق به همه کشور است و نباید در آنها تبعیض وجود داشته باشد (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱).

آیت‌الله خامنه‌ای در تأکید بر اهمیت هم‌راستایی پیشرفت اقتصادی با عدالت اجتماعی، تصریح می‌کنند که اقتصاد بدون عدالت پذیرفتنی نیست و چنین رویکردی انقلاب اسلامی

و نظام جمهوری اسلامی را نمایندگی نمی‌کند. ایشان بر لزوم جلوگیری از ایجاد فاصله‌های طبقاتی و حفظ حقوق قشرهای کم‌درآمد تأکید دارند و این موارد را جزو پایه‌های اصلی برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی کشور می‌دانند. در این زمینه، اصول عدالت و تأمین حداقل‌های معیشتی به‌طور برجسته در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی گنجانده شده است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴).

۲-۴. پیشرفت فرهنگی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای

پیشرفت فرهنگی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای معطوف به لایه‌های توحیدی و ارزش‌های الهی و تکیه بر فرهنگ حق است. براساس دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، معنویت، مهدویت، منجی‌گرایی، وحدانیت، امت‌گرایی، قدسیت، یگانگی، ایمان و یک‌دلی و همچنین، دوری از تفرج، از خودبیگانگی، مسخ، شیء‌شدگی،^۱ گم‌گشتگی از خود و بُت‌وارگی، از مصادیق توسعه فرهنگی در جامعه اسلامی است. توسعه فرهنگ اسلامی زیربنای توسعه اقتصادی و اجتماعی است. اگر بیشتر افراد جامعه اسلامی ایمان و بصیرت کافی داشته و به اجرای اصول اسلامی پایبند باشند، سرمایه اجتماعی بسیاری در جامعه به‌وجود می‌آید. در این میان، پایبندی رؤسا و مسئولان حکومتی به اجرای اصول اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد (نصیری، ۱۳۹۵: ۲). رهبر انقلاب بر این باورند که پیشرفت فرهنگی یکی از پایه‌های اساسی توسعه همه‌جانبه کشور است و نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. ایشان تأکید می‌کنند که برای دستیابی به رشد فرهنگی، باید به‌طور پیوسته و هدفمند در زمینه فرهنگ فعالیت‌های گسترده انجام شود. به عبارتی، فرهنگ و پرورش فرهنگی نباید مقوله‌ای فرعی یا قابل چشم‌پوشی تلقی شود، بلکه باید به‌منزله بخشی بنیادین در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای کشور مدنظر قرار گیرد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷).

۲-۵. پیشرفت اجتماعی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای

براساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، پیشرفت اجتماعی فرآیندی انسانی است که مرزهای

نژادی، جغرافیایی و مادی را نمی‌شناسد. دولت‌ها و مقام‌های رسمی نقش مهمی در تحقق این پیشرفت در حوزه اجتماعی دارند، ولی تا هنگامی که سازمان‌های مردمی جایگاه واقعی خود را در این فرآیند پیدا نکنند، نتیجه دلخواهی به دست نخواهد آمد. پیشرفت اجتماعی از نظر ایشان شامل عواملی همچون رشد بالای جمعیت، نسبت بالای جوانان به کل جمعیت، از میان برداشتن شکاف‌های اجتماعی، مقابله با تبعیض و فساد، و تأکید بر دادخواهی و احیای حقوق شهروندی است. شاخص‌های کلیدی این پیشرفت شامل رفاه اجتماعی، سواد، مسکن، پوشاک، بهداشت و درمان است (آل سیدغفور، ۱۴۰۰: ۱).

مقام معظم رهبری توجه به سیاست‌های کلی برنامه پنجم اجتماعی را پیش‌نیازی برای پیشرفت اجتماعی جامعه مطرح کرده‌اند. ایشان بر اهمیت تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در جامعه تأکید دارند و می‌فرمایند که حقوق شرعی و قانونی زنان باید در همه زمینه‌ها رعایت شود. توجه به نقش سازنده زنان در جامعه، به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، از جمله اصول کلیدی پیشرفت اجتماعی است. علاوه بر این، تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی و فراهم کردن محیطی مناسب برای رشد فکری و علمی آنان از دیگر ابعاد مهم سیاست‌های اجتماعی است که در کاهش دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی موثر واقع می‌شود (آیت‌الله خامنه‌ای، پیام‌ها، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱).

مقام معظم رهبری در حوزه اصلاحات اداری و قضایی، بر ضرورت افزایش تحرک و کارایی سیستم‌های اداری تأکید دارند. ایشان بر لزوم بهبود خدمت‌رسانی به مردم، تأمین کرامت و معیشت کارکنان، به‌کارگیری مدیران و قضات شایسته و امانت‌دار، و حذف یا ادغام مدیریت‌های موازی تأکید کرده‌اند. همچنین، تمرکززدایی در حوزه‌های اداری و اجرایی و پیشگیری از فساد اداری از دیگر اولویت‌های ایشان است. در این زمینه، بر ضرورت تنظیم قوانین و مقررات به‌منظور اصلاح تداخل وظایف نهادهای نظارتی و بازرسی نیز تأکید شده است (همان).

از دیگر جنبه‌های موردتوجه ایشان، اصلاحات در حوزه سلامت و محیط‌زیست است.

ایشان بر لزوم تأکید بر رویکرد انسان سالم و سلامت همه جانبه با توجه به یک پارچگی در سیاست گذاری، برنامه ریزی، ارزشیابی و نظارت تأکید دارند. ارتقای شاخص های سلامت، کاهش خطر ها و آلودگی ها، بهبود الگوی تغذیه جامعه و توسعه بیمه های سلامت از جمله مسائلی است که ایشان در سیاست های کلی، مورد توجه قرار داده است. همچنین، مبارزه با مواد مخدر، سامان دهی مناطق حاشیه و پیشگیری از ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی از جمله برنامه های ضروری برای ایجاد جامعه سالم و پیشرفته است (همان).

۳. جلوه های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت براساس آموزه های آیت الله خامنه ای

۳-۱. معنویت گرایی

معنویت از نگاه آیت الله خامنه ای را می توان در چهار دسته معنویت تارکانه، معنویت عارفانه، معنویت کاربردی و معنویت انقلابی دسته بندی کرد (شاکرنژاد، ۱۳۹۸: ۱). پیشرفت مورد نظر از نگاه آیت الله خامنه ای از رهگذر معنویت انقلابی ممکن می شود که در نتیجه آن، کمال جامعه و کمال انسانی در زمینه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به همراه خواهد داشت (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۷: ۲).

۳-۲. مردمی بودن

منطق پیشرفت طبق دیدگاه آیت الله خامنه ای، خدمت به مردم و خلق خداست. پیشرفت زمینه را برای آرمان و سعادت انسان ها فراهم می کند. منش و خط مشی سیاسی در چنین پیشرفتی، مردم سالاری دینی است. مردم سالاری دینی موتور محرک پیشرفت است که زمینه را برای رفع نیازهای افراد جامعه فراهم می سازد. درحقیقت، تمهید سازکارهایی چون انتخابات، بازیگران قوه مجریه و بازیگران قوه مقننه پیران های پیشرفت جامعه برای تحقق آرمان های مردم جامعه شمرده می شوند (حسینی خامنه ای، ۱۳۸۱: ۱۲).

آیت الله خامنه ای در تحلیل خود از اصول بنیادین نظام جمهوری اسلامی، بر اهمیت مردم سالاری دینی تأکید دارند. ایشان بر این باورند که در این نظام، رأی و خواست مردم از پایه های اصلی هستند و برای تحقق نیازهای مادی، معنوی و اخلاقی آنها به کار گرفته می شوند.

مردمی بودن در نظام جمهوری اسلامی، شاخه اصلی است؛ یعنی رأی مردم، هویت مردم، کرامت مردم، خواست مردم، ازجمله عناصر اصلی در نظام جمهوری اسلامی و این بنای مستحکم است. رأی مردم تعیین کننده است. تأمین نیازهای مردم هدف اساسی دولت مردان و نظام جمهوری اسلامی است؛ این نیازها هم نیازهای مادی است و هم نیازهای معنوی و اخلاقی و روحی. نظام جمهوری اسلامی، دموکراسی مبتنی بر مبانی نادرست غربی را رد می کند. مردم سالاری دینی به معنای کرامت حقیقی انسان و حرکت عموم مردم در چهارچوب دین خدا و نه در چهارچوب سنت های جاهلی و خواست های کمپانی های اقتصادی و اصول خودساخته نظامیان و جنگ سالاران است. در نظام جمهوری اسلامی، حرکت برخلاف آنهاست؛ حرکت در چهارچوب دین خداست و اراده مردم، تعیین کننده مطلق است (آیت الله خامنه ای، بیانات، ۱۳۸۶/۳/۱۴).

۳-۳. خانواده گرایی

طبق دیدگاه ها و انگاره های آیت الله خامنه ای، خانواده نخستین واحد رشد و تعالی انسان است. خانواده بستری است که در آن، رشد تربیتی و سپس تعالی فرد امکان پذیر می شود. ازسوی دیگر، حکومت اسلامی وظیفه دارد که امکانات اقتصادی به مثابه شرط لازم رشد و تعالی خانواده ها را فراهم کند. آیت الله خامنه ای شرایط پیشرفت خانواده را در صورتی امکان پذیر می داند که پایه ها و بنیادهای خانواده براساس اخلاق و قوانین اسلامی بنا و تنظیم شده باشد (حسینی خامنه ای، ۱۳۸۵: ۱۴).

۳-۴. عدالت و تأمین اجتماعی

از میان برداشتن شکاف های اجتماعی و تبعیض یکی از شرایط لازم از نیازهای اساسی الگوی پیشرفت ایرانی و اسلامی است. دراین باره، حکومت اسلامی وظیفه دارد که فاصله ها و شکاف های طبقاتی را به وسیله توزیع ثروت براساس الگوی برابری اجتماعی از بین ببرد. در شرایطی که شکاف های طبقاتی وجود داشته باشد، هیچ گونه پیشرفتی براساس الگوی اسلامی صورت نخواهد گرفت. بنابراین، در الگوی پیشرفت، وظیفه حکومت اسلامی فقرزدایی است. در فقرزدایی است که زمینه برای عدالت و سرانجام برای پیشرفت جامعه

طبق الگوی اسلامی پیشرفت فراهم می‌شود. طبق الگوی پیشرفت ایرانی و اسلامی همه مواهب و ثروت‌های جامعه متعلق به مردم است و در این باره نباید تبعیضی بابت توزیع ثروت در میان مردم جامعه باشد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۵).

۴. توسعه بومی از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای

توسعه بومی طبق دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای از منظر مفهوم، معطوف به بهبود شرایط مادی و معنوی جامعه برای حرکت تکاملی انسان و از منظر هدف برپایی قسط و عدل، ایجاد رفاه جمعی، تعالی مادی و معنوی افراد جامعه و از منظر شاخص‌ها، معطوف به میزان برابری فرصت‌ها و قابلیت‌ها، عدالت در همه مراحل (تخصیص، تولید، توزیع) و مردم‌سالاری دینی است (متوسلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۲). در الگوی توسعه بومی اقتصادی آموزه‌های آیت‌الله خامنه‌ای بر این نکته تأکید می‌شود که وظایف اقتصادی تعیین شده برای دولت در قانون اساسی به گونه‌ای است که می‌توان الگوی اقتصادی قانون اساسی را الگوی تأمین نیازهای اساسی نامید. در این الگو حاکمیت ساختار به معنای نظام سیاسی و اجتماعی وظیفه دارد با دستورالعمل و نقشه راه به کارگزاران، همه امکانات کشور را برای از میان برداشتن نیازهای اساسی جامعه به کار گیرد؛ نیازهایی شامل مسکن، غذا، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش، امکانات تشکیل خانواده، تربیت بدنی، امکان اشتغال و شرایط مساوی برای به دست آوردن مشاغل و برخورداری از تأمین اجتماعی، برابری فرصت‌ها برای همه. این الگو انعطاف‌پذیر، مرحله‌ای، هدف‌دار و قابل اندازه‌گیری است و با الگوی سیاسی و فرهنگی قانون اساسی به طور کامل ارتباط دارد. در سطحی دیگر، الگوی توسعه اقتصادی براساس قانون اساسی و طبق الگوی بومی توسعه اقتصادی را می‌توان الگوی تأمین نیازهای اساسی به وسیله حاکمیت نظام سیاسی و مشارکت کارگزاران دانست. ولی حاکمیت و نظام سیاسی متناسب با برنامه‌های خود می‌تواند روش‌های اجرایی متفاوتی برای انجام این وظایف برگزیند و همین تفاوت در روش‌ها برای انجام وظایف حاکمیت و کارگزاران زمینه رقابت سیاسی بین احزاب را پدید می‌آورد و به ما در استخراج الگوی سیاسی موردنظر قانون اساسی یاری می‌رساند. از منظر قانون اساسی، نیازهای اساسی، هر فرد شامل رفاهی،

آموزشی و درمانی است. تأمین این نیازها یکی از نیازهای اساسی برای ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای اساسی و حیاتی انسان در جریان رشد با حفظ آزادی اوست (سنچولی، ۱۳۹۲: ۱۸).

دیدگاه آیت الله خامنه‌ای در الگوی بومی توسعه فرهنگی، این است که لایه‌های توحیدی و ارزش‌های الهی و تکیه بر فرهنگ حق در بطن توسعه فرهنگی در برداشت بومی آن قرار دارد. توسعه بومی طبق اندیشه‌ها و انگاره آیت الله خامنه‌ای براساس موقعیت و جایگاه انسان و نقش وی در توسعه فرهنگی تعیین می‌شود. این توصیه حاصل سفارش‌ها و دغدغه‌های مؤکد حاکمیت و نظام سیاسی یعنی آیت الله خامنه‌ای است که با کارسپاری و واگذاری به کارگزارانی چون نهادهای فرهنگی، یعنی سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، حوزه و دانشگاه و دیگر نهادهای فرهنگ‌ساز مانند تکایا و حسینیه‌ها به اجرا درمی‌آید. توسعه فرهنگی در برداشت بومی آن در جمهوری اسلامی ایران بیشتر با رویکرد کارکردگرایانه منطبق است. مساهمت رویکرد کارکردگرایانه در توسعه فرهنگی برای تعدیل ارزش‌ها و چیره شدن بر بحران، ایجاد نظم و ثبات و ایجاد تعادل در حوزه‌های ارزشی جامعه است. دراین باره، مهم‌ترین وظیفه نظام اجتماعی، حفظ رأی و همدلی مردم درباره ارزش‌های موجود در جامعه است؛ یعنی عواملی که توجیه‌کننده نابرابری‌ها و تنظیم‌کننده رفتارهای مناسب اجتماعی و تضمین‌کننده حفظ هماهنگی اجتماعی و سرانجام تعادل اجتماعی است. شرط تحقق توسعه فرهنگی در برداشت بومی آن پرهیز از فرهنگ باطل است (همان: ۲۵).

در الگوی بومی توسعه سیاسی، دیدگاه آیت الله خامنه‌ای این است که جامعه باید از نظریه بحران یعنی بحران‌های شش‌گانه هویت، یک‌پارچگی، مشارکت، مشروعیت، نفوذ و توزیع عبور کند. عبور موفقیت‌آمیز از نظریه بحران متضمن هم‌افزایی حاکمیت و نظام سیاسی با کارگزاران نظام سیاسی یعنی نخبگان سیاسی، بازیگران قوه مجریه و مقننه، نظریه‌پردازان و پژوهشگران حوزه توسعه سیاسی است. در مسئله بحران هویت و یک‌پارچگی بافت، ساختار موزاییکی جامعه یعنی ترک، لر، کرد، بلوچ و دیگر اقلیت‌های

دینی مانند ارمنی، بهایی و در کنار همه اینها وجود خرده فرهنگ‌های مزاحم باعث بحران هویت شده است. در مسئله بحران مشارکت، تمایل جامعه به فرهنگ سیاسی تبعی و منفعل عاملی اصلی در به تأخیر افتادن توسعه سیاسی است. در مسئله بحران مشروعیت، ساختار عمودی قدرت باعث کاهش نقش‌یابی‌های جامعه مدنی شده است. عبور از بحران نفوذ، متضمن پذیرش نخبگان سیاسی است؛ به این معنی که منظومه گردش نخبگان پذیرای نخبگان تازه از بیرون را داشته باشد. در بحران توزیع نیز حاکمیت باید قائل به پذیرش دموکراسی و نقش‌آفرینی منابع دیگر انسانی و فیزیکی باشد (سعدآبادی، ۱۳۹۳: ۵۷).

نتیجه‌گیری

در پژوهش پیش‌رو، با بهره‌گیری از الگوی نظری توسعه و با روش توصیفی - تحلیلی، به تبیین ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه بومی و جایگاه آن در اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شد.

الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان الگویی از توسعه براساس چهار جزء و مؤلفه‌های الگو، پیشرفت، اسلامی، ایرانی و الگوی بومی بررسی شد. در این باره، الگو به مثابه نقشه راه و پیشرفت به معنی تغییر وضع موجود و رسیدن به نقطه مطلوب بوده است. صفت اسلامی از آن‌رو بوده است که معیارهای پیشرفت باید براساس منابع و معارف اسلامی و مبتنی بر معنویت‌گرایی باشد. صفت ایرانی نیز برای این است که این پیشرفت باید به وسیله نظریه پردازان ایرانی ابداع و تدوین شود. نکته پایانی اینکه الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی با نشانه‌ها و جلوه‌هایی چون معنویت‌گرایی، مردمی بودن، خانواده‌گرایی، عدالت و تأمین اجتماعی و انطباق با مقتضیات بومی همراه خواهد بود.

در پایان، پیشنهادهایی برای تقویت الگوی اسلامی توسعه ارائه می‌شود:

۱. از یک‌سویه‌نگری به ابعاد توسعه، به‌ویژه الگوی پیشرفت ایرانی و اسلامی خودداری شود. هرگونه امید به تحقق امر توسعه و ابعاد گوناگون آن طبق معیارها و ملاک‌های آیت‌الله خامنه‌ای متضمن کار بست الگوی ترکیبی (هیبریدی) امر توسعه یعنی به کارگیری الگوی غربی و الگوی بومی توسعه است.

۲. اکنون، زمینه‌های ادراکی و ذهنی و شرایط مادی و عینی الگوی پیشرفت ایرانی و اسلامی فراهم نیست؛ بنابراین، نظام سیاسی ضمن توجه برای موازنه در کارویژه‌های نمادین، استخراجی، الزامی و توزیعی، زمینه امکان الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی و توسعه بومی را فراهم آورد.

کتابنامه

- آل سیدغفور، سیدمحمدتقی (۱۴۰۰). توسعه فرهنگی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. سامانه الکترونیکی مقام معظم رهبری.
- ازکیا، مصطفی، و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه. تهران، کیهان.
- بیانات و پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۶). توسعه اقتصادی در جهان سوم. (غلامعلی فرجادی، مترجم)، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۲). جامعیت مفهوم توسعه. فرهنگ توسعه، ۳(۱۵)، ۲۳-۴۸.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۱). الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در سایه مردمی بودن. تهران، سامانه سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵). الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در سایه خانواده گرایی. تهران، سامانه سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱). الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در سایه عدالت و تأمین اجتماعی. تهران، سامانه سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در سایه معنویت گرایی. تهران، سامانه سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای.
- دورنر، پیتر (۱۳۶۸). اصلاحات ارضی و توسعه اقتصادی. (احمد کریمی، مترجم). تهران، امیرکبیر.
- سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۳). مختصات پیشرفت سیاسی جامعه: توسعه سیاسی. تهران، پنجمین کنگره پیشگامان پیشرفت.
- سنچولی، زینب (۱۳۹۲). تبیین ماهیت الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی پیشرفت، ۲(۳)، ۷۹-۱۰۴.
- شاکرنژاد، احمد (۱۳۹۸). تحلیل گونه‌های معنویت گرایی براساس بیانات آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای. مطالعات معنوی، ۸(۲۸)، ۱۴۲-۱۶۶.

- عاملی، احمد (۱۳۸۰). عدالت و توسعه از منظر رهبری. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۷ (۳۰)، ۴-۲۵.
- فابریز، کلود (۱۳۷۸). بعد فرهنگی توسعه: به‌سوی رهیافتی عملی. (مترجم: صلاح‌الدین محلاتی)، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- قوام، سیدعبد‌العلی (۱۳۸۸). چالش‌های توسعه سیاسی. تهران، قومس.
- لمکو، جان‌اتان (۱۳۶۷). شناخت پیچیدگی‌های توسعه سیاسی و اقتصادی در جهان سوم (محمدرضا افضل، مترجم)، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۳ (۲۳)، ۴-۸.
- متوسلی، محمود، سیف، الله‌مراد، و مهاجرانی، میرسید (۱۳۹۲). توسعه بومی، تغییری ضروری و بنیادین. برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۸ (۳)، ۱۳۳-۱۶۰.
- نصیری، علی‌اصغر (۱۳۹۵). توسعه سیاسی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای. قم، دانشگاه باقرالعلوم.